

## قطعه‌نامه‌های پیشنهادی سازمان آزادی زن که در کنفرانس رم به اتفاق آراء به تصویب رسیدند

### قطعه‌نامه در محکومیت آپارتاید جنسی

کنفرانس "برای یک اروپای سکولار فمینیست" نظام آپارتاید جنسی را به عنوان نظامی ضد انسانی که حقوق پایه ای نیمی از بشریت را پایمال می‌سازد، محکوم می‌کند. کنفرانس مطالبه می‌کند که آپارتاید جنسی در سطح بین المللی، همچون نظام آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، شناخته و محکوم شود.

### پیشنهاد دهندگان: آذر ماجدی و ماریا هاگبری

### قطعه‌نامه در حمایت از زنان پناهجو

کنفرانس "برای یک اروپای سکولار فمینیست" مطالبه می‌کند که کلیه زنانی که از تهدید و خشونت جنسی به کشور دیگری می‌گریزند، بلافاصله به عنوان پناهنده به رسمیت شناخته شوند.

### قطعه‌نامه در محکومیت جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزات جنبش حقوق زن در ایران

کنفرانس، جمهوری اسلامی ایران را به خاطر حملات سیستماتیک علیه زنان بر سر مساله حجاب، شدیداً محکوم می‌کند. کنفرانس همچنین بازداشت و زندانی کردن فعالین حقوق زن را محکوم می‌کند و از مبارزه جنبش زنان علیه آپارتاید جنسی و برای آزادی حمایت می‌کند.

تاریخ: اول ژوئن ۲۰۰۸ - رم، ایتالیا

## سکولاریسم و آزادی زن

### سخنرانی و پرسش و پاسخ با آذر ماجدی در پالتاک

سکولاریسم شرط لازم آزادی زن. گرایش راست و چپ در جنبش سکولاریستی. جنبش سکولاریستی در تقابل با جنبش های مذهبی. سکولاریسم و اسلام سیاسی. سکولاریسم در جدال دو قطب تروریسم: تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی. اکس مسلم و سکولاریسم راست.

زمان: جمعه ۱۳ ژوئن ساعت ۹ شب به وقت اروپای مرکزی، ۱۲ ظهر به وقت غرب آمریکا.

مکان: پالتاک Middle East- Iran

عنوان اتاق: سکولاریسم و آزادی زن- با آذر ماجدی

## مشکلات زنان و کودکان پناهجو در ترکیه

صفحه ۳

## زنان خود سهم خود را تعیین می کنند!

صفحه ۶

شهلا نوری

## برای یک اروپای سکولار و فمینیست سازمان آزادی زن در کنفرانس رم



آذر ماجدی

شنبه ۳۱ مه و یکشنبه اول ژوئن یک کنفرانس مهم در خانه بین المللی زنان در رم، ایتالیا برگزار شد. "ابتکار فمینیست سکولار اروپا" این کنفرانس را سازمان داده بود. تم کنفرانس ساختن یک اروپای فمینیست- سکولار بود. بیش از ۱۰۰ نفر از فعالین جنبش حقوق زن، سکولاریست و دفاع از حقوق انسانی از کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان، سوئد، لهستان، بلژیک، پرتغال، اسپانیا، کرواسی، بلغارستان، دانمارک، یونان، ترکیه، سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و ایران در کنفرانس حضور داشتند. شرکت کنندگان هر یک سازمانی را نمایندگی می‌کردند.

این افراد در رم جمع شده بودند تا یک جنبش میلیتانت سکولار مدافع حقوق زن بسازند، جنبشی که برای یک اروپای انسانی‌تر، آزادتر و برابرتر مبارزه می‌کند. کلیه شرکت کنندگان قاطعانه در دفاع از حقوق زنان و لزوم برقراری سکولاریسم یا لائیسیتته صحبت می‌کردند. همه از شواهد دردناک نفوذ مذهب و نهادهای مذهبی در جامعه و دولت، از نفوذ کلیسای کاتولیک و ارتدکس و جنبش اسلامی در تصمیم گیری های حقوقی و اجتماعی، از آموزش خرافات مذهبی در مدارس و از پایمال شدن حقوق زنان و آزادی های مدنی سخن می‌گفتند.

طی دو روز کنفرانس اطلاعات دست اول بسیاری از اوضاع وخیم برخی از جوامع اروپایی به خاطر نفوذ مذهب و نهادهای مذهبی و از فشارهایی که بر زنان تحمیل میشود و همچنین از زائل شدن حقوق و آزادی های مدنی رد و بدل شد. مباحث تئوریک جدی در رابطه با سکولاریسم، ضرورت آن برای ساختن یک جامعه آزاد و تعاریف متعدد از سکولاریسم توسط شرکت کنندگان ارائه شد. همه تاکید داشتند که آزادی و حقوق پایه‌ای شهروندان در اروپا در خطر است و آمادگی خود را برای تغییر شرایط اعلام کردند.

من به عنوان نماینده سازمان آزادی زن در کنفرانس شرکت داشتم. طی کنفرانس علاوه بر ایراد یک سخنرانی، عهده دار نقش مدراتور در



ستم بر زن موقوف!



## از صفحه قبل

است تا یک عمل مذهبی.

ما بعنوان یک جنبش سکولاریست آزادیخواه مدافع حقوق زن باید این چهره دروغین را بدریم. باید در مقابل این دو قطب تروریستی بایستیم. باید بدون هراس از راسیست یا اسلاموفوبیست خوانده شدن با جنبش اسلامی، با آپارتاید جنسی و حجاب مبارزه کنیم. باید از حقوق زنان دفاع کنیم.

یکی از جلسات بودم. همچنین سه قطعنامه و پیشنهادات بسیاری به کنفرانس ارائه دادم که با استقبال گرم کنفرانس روبرو شد. سخنرانی من در زمینه رشد جنبش های مذهبی، بویژه اسلام سیاسی در دهه های اخیر بود. فشرده ای از سخنرانی بقرار زیر است:

جنبش های مذهبی در دو دهه اخیر رشد و گسترش بسیاری یافته اند. نفوذ مذهب در دولت، آموزش و پرورش و سیستم حقوقی و قضایی افزایش یافته است. در این میان رشد اسلام سیاسی، جنبش ارتجاعی ای که با تکیه بر اسلام در فکر قدرت یابی در جهان است، در عرصه بین المللی توجه فراوانی را به خود جلب کرده است. جنبش اسلامیتی توسط غرب و به سرکردگی دولت آمریکا در جدال جنگ سردی با شوروی زائیده شد. این جنبش توسط آمریکا تغذیه شد و آموزش دید. کیست که نداند بن لادن ساخته و پرداخته آمریکا است. در چند سال اخیر، همزمان که شاهد جنگ تروریست ها، شاهد نبرد تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل با تروریسم اسلامی بوده ایم، نفوذ و قدرت اسلام سیاسی رشد چشمگیری داشته است. طنز تلخ اینجاست که سیاست های میلیتاریستی و تروریستی آمریکا موجبات تقویت و رشد جنبش اسلامیتی را فراهم آورده است. اسلام سیاسی چهره دروغین جنبش رهایی بخش ضد امپریالیستی بخود گرفته است. این واقعیت موقعیت جنبش اسلامی در خاورمیانه و در کشورهای تحت سلطه اسلام و همچنین در محیط های اسلامی در غرب را تحکیم کرده است. اکنون حجاب بیشتر یک اعلام موضع سیاسی

کوتاهی داشتم که مورد توجه کنفرانس قرار گرفت. به دو فاکتور اشاره کردم:

\* تا آنجا که به کل جنبش های مذهبی، نقش مذهب و سکولاریسم مربوط میشود، به نظر من یک گناه پسا استالینیستی و پسا جنگ سردی جنبش چپ را در این موقعیت محافظه کارانه و راست قرار میدهد. بخاطر تبلیغات وسیع در زمینه ممنوعیت مذهب توسط استالین و در بلوک شرق سابق و سرکوب آزادی مذهب، چپ میکوشد تقاص استالین را پس دهد. لذا در مقابل هرگونه محدودیتی بر جنبش های مذهبی و نهادهای مذهبی مقاومت میکند. آزادی مذهب را تا حد دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش امتداد میدهد. در مقابل هر نوع تلاش جدی در جهت سکولاریزه کردن جامعه و

دولت مقاومت میکند.

\* گرایش ضد امپریالیستی حاکم بر جنبش چپ بخش وسیعی از آن را به حمایت از جنبش اسلامی در مقابل امپریالیسم آمریکا میکشاند. اینها میان دو "شیطان"، آنچه کمتر شیطان بنظر میرسد را انتخاب میکنند. این روش پوپولیستی و راست، چپ را در معادلات بین المللی پشت اسلام سیاسی و جنبش اسلامیتی قرار میدهد.

در بخش پایانی، سازمان دهندگان کنفرانس بیانیه کنفرانس را که قرار است به پارلمان اروپا ارائه شود، به بحث گذاشتند. این بیانیه ای پیشرو و مترقی بود. مباحث بسیار جدی حول بیانیه شکل گرفت و اصلاحیه های صفحه بعد تکمیلی به بیانیه



زنده باد سوسیالیسم و برابری!

کرده و از ایشان تقاضای همکاری می کند اما پس از مشاهده بی تفاوتی مسئولین تصمیم به خودسوزی میگیرد و پس از چند دقیقه اصرار آبکی مامورین دون پایه سازمان ملل، در کمال ناباوری به او می گویند که "خب خانم اگر می خواهید خودسوزی کنید یک ذره آنطرفتر بروید تا دیوارهای سازمان دودی نشود و تقصیر به گردن ما نیافتد". سخنانی که حتی باور کردن به آنها سخت است.

### ب: کودکان

در این میان کودکان بزرگترین آسیبها و صدمات را می بینند. کودکان که برای رشد جسمی و فکری خود به شرایطی سالم، آرام، بدور از اضطراب و تشویش نیاز دارند و شکل گیری شخصیت اجتماعی آینده اشان در این سنین صورت می گیرد متأسفانه در دوران پناهندگی در شرایط زیست محیطی بسیار تند و نابهنجاری زندگی می کنند. اکثریت از سوء تغذیه رنج می برند، به دلیل عدم تعادل فکری والدین، قربانی خشونت در خانواده ها میشوند. بدلیل عدم یادگیری زبان فرصت دوست یابی و شرکت در گروه همسالان خود را نمی یابند. به شدت منزوی شده و از آنجا که در دو تا سه محیط و جامعه متفاوت بزرگ می شوند از لحاظ هنجارهای اجتماعی و عملکرد و واکنش به محرکها یا عموماً ناتوان یا دچار چندگانگی میشوند. از همه مهمتر از تحصیلات مداوم که ضامن ساخت زندگیشان در آینده است محروم شده و آینده اشان به شیوه ای مبهم باقی می ماند.

کودکان معصومی که قربانیان خواسته ها، امیال سیاسی و یا ... پدران و مادران خود

فرارشان از ایران اکثریت زنان تنها مورد تعرض جنسی قاچاقچیان انسان قرار میگیرند و به محض رسیدن به داخل کشور ترکیه نیز با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کنند.

فقر اقتصادی، عدم وجود کار مناسب و نگاه سنگین و تحقیرآمیز صاحبان کار و جامعه اسلامی این کشور به زنان پناهجو شرایط زندگی را بسیار مشقت بارتر کرده است. تن فروشی اگرچه در ابعاد کم، اما در میان پناهجویان زن وجود دارد. مسبب اصلی همه این موارد را تنها و تنها UNHCR (آژانس پناهندگی سازمان ملل متحد) می دانیم. آزارها، کتک کاریها و ظلم برخی از شوهران در اینجا هم ادامه دارد و چه بسیارند زنانی که به ناچار مجبور به ترک کشور خود شده اند. اما با توجه به درگیریهایشان با روابط سیاسی و سازمانی شوهران و خانواده هایشان دیگر قادر به بازگشت به کشور خود نبوده و در صورت دیپورت شدن نیز با طرد و دشمنی از طرف خانواده و شلاق و سنگسار و ... از طرف دولت روبرو خواهند گشت.

زنان باردار پناهجو در قرن ۲۱ بر اثر فقر و عدم توجه UNHCR و سایر مقامات، زایمان خود را به شیوه سنتی و در خانه های کاهگلی و با حضور ماماها سنتی انجام میدهند و خطر مرگ را به جان می خردند و این در حالی است که تختهای خالی بیمارستانها که در آستانه پیوستن به اتحادیه اروپا می باشد در چند متری خانه پناهجوی مظلوم فوق قرار دارد. زنی را می شناسیم که بر اثر فقر و آزار و اذیتهای خانواده به UNHCR مراجعه

دنباله کنفرانس رم از صفحه ارائه شد. در این بخش چندین اصلاحیه ارائه دادم و قرار شد که با نویسندگان بیانیه برای اصلاح آن همکاری نزدیک داشته باشم.

سپس قطعنامه های پیشنهادی ما خوانده و به رای گذاشته شد. هر سه قطعنامه در میان استقبال گرم حاضرین به اتفاق آراء به تصویب رسید. کنفرانس یکشنبه بعداز ظهر در فضایی از رفاقت، همبستگی، صمیمیت و اتحاد و با تعهد و اشتیاق به کار مشترک برای هدف مشترک به پایان رسید. همه شرکت کنندگان علیرغم خستگی و کار فشرده با شادابی و هیجان کنفرانس را ترک کردند. بسیاری تمایل داشتند که با ما ارتباط نزدیک داشته باشند. از ما برای شرکت در کنفرانس های دیگر دعوت شد. آخرین شماره نشریه آزادی زن به انگلیسی، به سردبیری مریم کوشا توسط سازمان دهندگان چاپ شد و روی میز کتاب گذاشته شد. کلیه نسخه های نشریه توسط علاقمندان دریافت شد. تعدادی از کتاب "حقوق زن در تقابل با اسلام سیاسی" را همراه خود داشتم که همگی در همان روز اول به فروش رسید.

یکی از نقاط جالب کنفرانس شرکت نمایندگان از خاورمیانه بود. آنها در کنفرانس سخنرانی و از سکولاریسم دفاع کردند. نماینده فلسطینی در مورد اشغال فلسطین نیز صحبت کرد که با حمایت کنفرانس روبرو شد. این کنفرانس اولین قدم در راستای ساختن یک جنبش وسیع بین المللی برای سکولاریسم و در دفاع از حقوق زنان و آزادی و برابری بود. بنظر من این جنبش نطفه بشریت متمدنی است که منصور حکمت در "دنیا پس از یازده سپتامبر" به آن اشاره میکند. ما باید فعالانه در این جنبش شرکت کنیم و در جهت دادن به آن نقش ایفاء کنیم. گوش ها برای شنیدن حرف های ما باز است. تحلیل های ما، پیشنهادات ما و سیاست های ما با گرمای بسیاری مورد استقبال قرار گرفت. ما حرف برای گفتن داریم. باید این حرف ها را با مردم در میان گذاریم و آنها را به این جنبش جلب کنیم. **آذر ماجدی**

### مشکلات زنان و کودکان پناهجو در ترکیه

ویکتوریا و امیر از شهر کارمان در ترکیه

### الف: زنان

زنان که یکی از بزرگترین گروههای اجتماعی در ایران هستند که آشکارا هم مورد ظلم حاکمیت و هم مورد ظلم خانواده و پیرامون قرار میگیرند. مردسالاری جامعه ایران، آداب و سنن غلط، تبعیض جنسی، عدم تساوی حقوقی، ازدواجهای اجباری، قتلهای ناموسی، سنگسار، حجاب اجباری و ...

تنها موارد بسیار کوچکی هستند که بر زنان در ایران اعمال می شود. در اثر همین موارد سالانه صدها و حتی هزاران زن به امید رها شدن از این رنجها خود را به خارج از کشور و دنیای آزاد رسانده و با فرار از این حاکمیتهای ارتجاعی سعی در تداوم مبارزات برابری خواهانه اشان دارند.

زنان پس از رسیدن به کشور دوم (ترکیه) نیز دچار رنجهای زیادی می شوند که به صورت خلاصه بعضی از آنها را ذکر خواهیم کرد.

از همان آغاز راه و در هنگام

**رهائی زن رهائی جامعه است!**



- استخدام وکلای احساساتی، ایدئولوژیک و مغرض
5. رسیدگی سریع به پرونده ها و سعی در جواب دادن در حداقل زمان ممکن
6. ایجاد مراکز و یا تعیین اشخاصی به منظور آمادگی، همکاری و اقدام در هر مورد اضطراری و پیشبینی نشده ای که ممکن است برای پناهجویان به دلیل عدم کارایی مکانیسم موجود، پیش آید.
7. ارائه دلایل کافی و منطقی برای عدم قبول پرونده پناهجویان غیر از برگه عمومی کپی شده ای که به همه تحویل داده میشود به منظور تلاش پناهجویان در اصلاح خطاها و تاکید بیشتر بر نقاط قوت در بازنگری مجدد به پرونده.
8. ارائه کمک مالی بدون قید و شرط به تمامی پناهجویان و حذف هزینه اقامت با هماهنگی با وزارت کشور ترکیه
9. تحت پوشش بهداشتی و پزشکی و درمانی قراردادن همه پناهجویان در مراکز بهداشتی و یا تخصیص چند پزشک برای پناهجویان
10. به رسمیت شناختن حق کار برای پناهجویان
11. ایجاد مرکزی برای تحت پوشش قرار دادن زنان بی سرپرست و ارائه یاری به آنها در مورد تهیه مسکن، خوراک، پوشاک و نیازهای روزمره و بررسی سریعتر پرونده های زنان در سازمان ملل
12. فراهم کردن تحصیل و زبان آموزی برای کودکان در بدو ورود به ترکیه
- نمایندگان پناهجویان شهر کارمان ترکیه

\* کودکی وقتی شادی کودک قبول شده همسایه اش را دیده با گریه و داد و فریاد به پدرش گفته که "بابا جون نمیتونی تو هم بری اسم خودمون رو روی یه کاغذ بنویسی و جلوی UNHCR بزنی تا ما هم قبول بشیم و..."

به گمانمان همین پنج مورد کفایت تا اوج بی عدالتی UNHCR برایتان آشکار شود اما ما از این موارد بسیار دیده ایم.

پس از ذکر همه این موارد ما به عنوان نمایندگان پناهجویان شهر کارمان برای حل این معضلات پیشنهادهایی داریم که اهم آنها را در زیر ذکر خواهیم کرد.

1. لغو کامل و بدون قید و شرط دیپورت از جانب دولت ترکیه
2. ایجاد مرکز و یا مراکزی از طرف سازمانهای دفاع از حقوق بشر، عفو بین الملل، پلیس و... به منظور اطلاع رسانی، مشاوره و آشنا کردن پناهجویان تازه وارد با شرایط تقاضای پناهندگی، گرفتن اقامت، حقوق و وظایف در برابر UNHCR و دولت ترکیه و بالعکس، از طریق تهیه بروشورهای مربوط به قوانین پناهندگی
3. گزارش شفاف و سالیانه UNHCR در مورد بودجه خود، نحوه مصرف آن، آمار قبول شدگان و... جهت اطلاع افکار عمومی و پناهجویان
4. استخدام وکلا، مصاحبه کنندگان و مترجمان بیطرف، متخصص و دارای اطلاعات کافی از فضای ملی، مذهبی، اجتماعی و سیاسی ایران و سعی در جلوگیری از آوردن و یا

وضع حمل بوده و نیاز به عمل جراحی داشته تا بتواند فرزندش را به دنیا بیاورد و گرنه جان هر دو به خطر می افتاد به دلیل اینکه پول نداشته و توانایی پرداخت مبلغ درخواستی را نداشته، در هیچ بیمارستانی پذیرفته نشده و در آن شرایط که به UNHCR مراجعه کرده با بی تفاوتی کامل مسئولین مواجه گشته و در جواب زن در حال مرگ و شوهر درمانده اش به او گفته اند که، به آنها ربطی ندارد.

\* پناهنده ای بپای شکسته به سازمان مراجعه کرده و تقاضای کمک و یا معرفی به پزشک یا بیمارستانی کرده و در جواب گفته اند که "امروز تعطیل است و برو ۳ روز طاقت بیاور آن زمان بیا و از طرف دیگر به ما مربوط نیست".

\* پناهنده ای که ناراحتی قلبی دارد در مراجعات مکرر به دفتر سازمان با بی توجهی مقامات روبرو گشته است.

\* پناهنده ای که در کمال ناباوری با حکم پرونده بسته روبرو گشته است، در حالی که به شدت مضطرب و عصبانی بوده و وضعیت روحی طبیعی نداشته است، ناخودآگاه ماشینی را که جلوی در UNHCR زیر مشتم و لگد گرفته است و غافل از آنکه آن ماشین متعلق به یکی از کارمندان سازمان است، ما شاهد آن بوده ایم که گاردها و نگهبانان UNHCR چگونه بر سر پناهجوی بیچاره ریخته و او را آنقدر کتک زدند که غرق در خون شد و سپس وی را تحویل مقامات امنیتی دادند.

هستند و هیچ اختیاری از خود برای "نه" گفتن به این اوضاع را ندارند و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل نیز آنها را به کلی فراموش کرده است. کودکانی که ما خود شاهد آن بوده ایم به خاطر فقر خانواده همراه با بزرگتر هایشان مجبور شده اند روزهای پیاپی روزه بگیرند. رویاهایشان را فراموش کرده و از خود بیگانه شده اند. کودکانی که هر لحظه منتظر بازگشت پدر یا مادرشان هستند که با خبری خوش برگردند. آنها دیگر عروسک و اسباب بازی نمی خواهند بلکه می دانند و یاد گرفته اند که قبولی از همه چیز مهمتر و واجب تر است.

از آن تعداد اندکی نیز که به



مدرسه میروند، از طرفی مورد تحقیر همسالان ترک خود و از طرف دیگر در موارد بسیاری مورد تهدید و کتک کاری آنها و اذیت معلمان قرار میگیرند. به همین دلیل اکثریت والدین و خود کودکان نرفتن به این مدارس را به رفتن ترجیح می دهند.

حال توجه شما را به مواردی از نقض قوانین حقوق پناهجویان توسط خود این سازمان جلب میکنیم و در پایان راه حلهای پیشنهادی خود را برای رفع این موارد ارائه می دهیم.

ما شاهد بوده ایم که:

\* بانویی باردار که در حال

**نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!**

**تجربه‌های زنانه** ستونی برای تجربه‌های زنانه است. برای این ستون بنویسید. از تجربیات خودتان و از زندگی خودتان. از آنچه که به خاطر زن بودنتان بر شما می‌گذرد. از آنچه که روزانه به نام زندگی شخصی و اجتماعی برایتان اتفاق می‌افتد. از همه چیز برای این ستون بنویسید و داستان زندگیتان را با دیگران تقسیم کنید. سردبیر نشریه پروین کابلی

## تجربه‌های زنانه!

چندی پیش همراه با فرزندانم سفر کوتاه چند روزه به یکی از شهرهای سوئد داشتم. گرمای زودرس مردم را به بیرون از خانه هایشان کشیده بود. در مسیر حرکت قطار تابستان زیبایی سوئد خود را در تصاویر مختلف به نمایش گذاشته بود. هوای خوب نوید سفری موفق را میداد. قرار بود در خانه دوستی این چند روز را سپری کنیم. هنگام ورود به آپارتمان دوستم اولین چیزی که توجه ام را جلب نمود وسایل مخصوص درون خانه و درهای بزرگ اتاقها و زمین هموار (بدون پستی و بلندی) بود. در کتابخانه کوچکی که درکنار اتاق پذیرائی وجود داشت کتابهایی به زبان فارسی چیده شده بود. بعد از استقرار اولیه پرسیدم، چرا آپارتمان شما مجهز به امکانات برای افراد فلج است. میزبانم خنده ی تلخی نمود و گفت ما این جا موقت زندگی میکنیم. اینجا خانه

خانمی ایرانی است که ۱۰ سال پیش بوسیله همسر سابقش در مقابل چشمان دخترش که آنوقت ۴ ساله بود مورد حمله قرار گرفت و با چاقو زخمی شد. در بیمارستان پزشکان جای ۱۵ ضربه چاقو را بر بدن وی بخیه زدند. این ضربات وی را نکشت ولی برای همیشه فلج نمود. آنموقع این خانم فقط ۲۱ سال داشت. تازه از همسرش که سالها وی را مورد ضرب و شتم قرار داده بود جدا شده بود و میخواست با دختر کوچکش زندگی را سامان دهد. برای خودش برنامه ریزی کرده بود. میگفت میخواست به درس بخواند. ازدواجش با این مرد اجباری و به زور خانواده اش صورت گرفته بود. اما دیگر چیزی بود که شده بود. قانع بود. اما فقط چند ماه بعد از ازدواج متوجه میشود که این مرد مریض است. روانی است. دروغ میگوید. و وقتی اعتراض میکند از آن روز به بعد زندگی را به جهنمی برای وی تبدیل میکند. تا بلاخره بعد

از چند سال تصمیم به جدائی میگیرد.

کم کم یادم افتاد. داستان مدتی بحث روزنامه های مختلف در سوئد شد. همسر سابق وی که همه چیز را قبلا برنامه ریزی کرده بود بلافاصله بعد از این سوء قصد به تهران پرواز نمود.

در چند روز که در این خانه زندگی کردم احساسات دوگانه ای داشتم. گاهی فکر میکردم که روی آتش در حال حرکت هستم. زمین زیر پام داغ بود و فکر میکردم که چگونه با چند ضربه چاقو زندگی یک انسان میتواند این گونه دچار تغییر شود.

گناه این زن چه بود که باید بهترین سالهای زندگیش روی چرخ معلولین اسیر شود و دیگر نتواند طعم زندگی، یک زندگی کامل، را بچشد؟ نمیدانم و نمیتوانم هم قضاوت کنم که چه برسرش آمده است و چه میکند. هیچکس نمیداند. اما آیا

رسیده است.

## تلاش برای آزادی روناک صفازاده و هانا عبدی ادامه دارد

در ایران کمپینی برای آزادی روناک صفازاده و هانا عبدی، دو فعال حقوق زنان، راه اندازی شده است. این دو نفر در تاریخ سوم مهرماه سال گذشته در سنندج بازداشت شدند و هم اکنون در زندان هستند. روناک صفازاده و هانا عبدی هردو عضو انجمن زنان کردستان به نام "آذر مهر" هستند. این انجمن فعالیت های آموزشی و فرهنگی برای زنان کرد دارد و به گفته مسئول آن به طور رسمی و قانونی به ثبت

## اتهام روناک صفازاده و هانا عبدی چیست؟

به روناک اتهام محاربه زده اند. به هانا هم اتهام شریک جرم نسبت داده اند یعنی تباری و همکاری در جرم. روناک تحت فشار و شکنجه زیادی در دوران محکومیتش براساس خبرها اعتراضاتی داشته ولی بعد گفته که من تحت فشار زیادی بودم و مجبور بودم که اعتراف کنم.

روناک و هانا از فعالین جنبش زنان بودند. زمانی که مسئله کمپین یک میلیون امضا در

کردستان مطرح شد به آن پیوستند. بعد از دستگیری روناک و هانا گروه های دیگری هم در کردستان دستگیر شدند و گفتند که این ها با گروه های دیگر همکاری داشتند. در کردستان هر حرکتی که انجام شود سیاسی قلمداد می شود. به نظر میرسد اصلا دولت خودش دلش این را می خواهد که فعالیت های مدنی را فعالیت های تروریستی معرفی کند تا زنان اصلا در فعالیت مدنی هم شرکت نداشته باشند.

دادگاه هانا عبدی هفده اردیبهشت بود و می بایست



Webi

بهای انتخاب زندگی و آزاد شدن این است؟ تا کی باید زنان برای این آزادی چنین بهائی بپردازند؟ چرا و به چه قیمتی باید خانواده را نگاه داشت؟ خانواده ای که برای بسیاری جز زندان معنای دیگری ندارد. جایی که دروغ و ریا اولین جوانه های خود را در روح و هستی کودکان می تند. جایی که وقتی قرار است آن را رها کنی و دیگر نمیخواهی به تزویر و ریاکاری ادامه دهی باید بهایش را با زندگی بپردازی.

## پروین کابلی

حدود یک هفته پس از دادگاه نتیجه را به ما می گفتند، یعنی به وکیلش ابلاغ می کردند و به خانواده او خبر می دادند، ولی متأسفانه الان مدتی می گذرد و هیچ نتیجه ای ابلاغ نشده است.

تا به حال دو بار دادگاه روناک صفازاده هم به تعویق افتاده و وکیل او هم تقاضای رسیدگی و تحقیق بیشتر داده است.

نقل به تلخیص از وبلاگ حمایت از روناک صفازاده و هانا عبدی

<http://soswoman.blogfa.com/>

## آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!



## زنان خود سهم خود را تعیین می کنند!

نظر شما چیست؟

افزایش حضور دختران در دانشگاه ها همواره با واکنش های مسئولین وقت در جمهوری اسلامی روبرو بوده است. خصوصاً در رشته های پزشکی و زیرمجموعه های آن که از سهمیه بندی جنسیتی به نفع پسران با رتبه های پایین تر از دختران در سال های اخیر استفاده شده و تاکنون اعتراض دختران در این رابطه به جایی نرسیده است.

مخالفتان حضور زنان در دانشگاه، کاهش حضور پسران در کوتاه مدت و اشغال بازار کار توسط زنان و سست شدن بنیان خانواده در دراز مدت را یک مشکل اساسی ارزیابی می کنند.

موافقان طرح سهمیه بندی، عواملان پیگیر تبعیض جنسیتی و حافظین نظام مردسالارانه تحت عنوان حفظ بنیان خانواده و نقش مرد، بعنوان نان آور خانواده، همان مهندسی افکار جامعه در قبال زنگ خطر رهایی زن هستند.

یکی از فاکتورهای لازمه استقلال زنان در مسیر رهایی، وارد شدن به بازار کار بورژوازی می باشد که سرمایه داری اسلامی با این موج نیروی کار در جهت حفظ منافع

کوتاه مدت خود به مثابه نیروی کار ارزان مخالفتی ندارد ولی آنجا که به منافع دراز مدت نظام برمبگردد و زنان با حضور در دانشگاه ها به جمع مخالفین آزادیخواه و برابری طلب رژیم ملحق می شوند، خطر پایه های رژیم مردسالار اسلامی را می لرزاند و این دیگر قابل تحمل نیست.

مدتهای مدیدی است که بحث حول تفاوت های نظامهای مردسالارانه و مذهبی در میان روشنفکران و سیاستمداران شروع شده و ادامه دارد. بخشی به تاریخ رجوع می کنند و با لجاجت تمام به دنبال ساختن هرم مرد سالاری از زمان تقسیم کار بین زن و مرد در میان انسانهای اولیه میگردند. برخی به دنبال اثبات صد در صد رابطه قدرت مرد در چرخه سرمایه و مردسالاری موجود هستند. بنظر میرسد کسی نمی خواهد به حریم خانواده مقدس بعنوان پایه ای ترین سلول چرخه بازتولید مردسالاری مدافع حفظ منافع سرمایه داری و مذهب، اشاره ای بکند.

برای پاسخ به این سؤال، می توان رابطه میان کنشها و واکنشهای اجتماعی را بررسی کرد و تا حدی به روند تغییر الگوهای فرهنگ مردسالارانه، علیرغم تلاش شبانه روزی رژیم اسلامی در جهت حفظ فرهنگ مردسالارانه در دامن اسلام سیاسی پی برد.

با کاهش اقتدار خانواده، اقتدار مذهب و آداب و رسوم تاریخی، تابوی خانواده مقدس و بسیاری از اسطوره های کهن مردانگی، که بطرق پیچیده ای با ادیان در آمیخته اند، بچالش کشیده شده است. همانطور که شاهد هستیم در کشور ایران با گذشت ۳۰ سال حاکمیت

اسلامی نه تنها اسطوره "جایگاه زن در خانه است" شکسته شده بلکه دختران این حق را برسمیت می شناسند که مستقل از پدر و مادرهایشان زندگی کنند و با شکستن تابوهای جنسی، به داشتن دوست از جنس مخالف مبادرت ورزند و رابطه رمانتیک بیرون از خانواده را تجربه کنند.

روند سکولاریزه شدن رفتارهای جنسی در بین جوانان شهرنشین تا آنجا دستخوش تغییرات ملموس گشته که آمار جدایی ها بیانگر چهره واقعی آن است. درست است که تحولات جدید زمینه پیدایش مشکلاتی جدید می باشند اما ما دیگر شاهد ازدواج محکوم به فنا شدن دختران نیستیم. دیگر ضرب المثل "با لباس عروس به خانه بخت رفته و با بدبختی زندگی را ادامه دهد تا با کفن سفید برگردد" در مورد زنان تحصیل کرده به نحوی آگاهانه کاربردی ندارد.

هر اندازه که زنان بتوانند در عرصه های اجتماعی فعال و دخالتگر باشند، به همان اندازه هم می توانند در صحنه مبارزات علیه آپارتاید جنسی منسجمتر و رادکالتر عمل کنند.

گسترش روزافزون مردسالاری در جمهوری اسلامی، بغیر از دینامیسم مردسالارانه نظام سرمایه داری، به فاکتور تاجر دین اسلام هم مجهز می باشد. دست کم فرض کردن این فاکتور تعیین کننده، مبارزه علیه حکومت آپارتاید جنسی را به تعویق می اندازد. درحالیکه میل به تغییر وضع موجود، سبب افزایش فعالیتهای سیاسی

و اجتماعی در بین همه اقشار جامعه شده است، رژیم سرمایه داری- اسلامی و پدر سالار با تمام قوا مشغول سازماندهی دکترین عدم امیدواری و عدم احساس امنیت در میان زنان و جوانان می باشد. ایجاد جو ترس و ناامنی در محیط کار، دانشگاه، جامعه و در خانه می تواند زمینه ساز بوجود آمدن ۱۵ میلیون بیمار روانی در سطح کشور باشد. نباید فراموش کنیم که رژیم اسلامی در مهندسی افکار تخصص ویژه دارد و انسان نا امید را می شود با استفاده از ابزار خرافه، مذهب و قید و بندهای دست و پا گیر، بیش از پیش از چالشهای روزمره در جهت ایجاد تغییر در زندگی دور نگه داشت.

من بر این باورم که جنبش آزادی زن باید با جدیت تمام با مناسبات مذهبی، سنتی، عرفی و قید و بندهای ساختار خانواده مرد- پدرسالار مبارزه کند. زنان خود سهم خود را تعیین می کنند!

شهلا نوری: چهارشنبه هشتم خرداد

[www.wlsaz2.blogfa.com/](http://www.wlsaz2.blogfa.com/)



نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

وکیلی را که یکی از زندانیها به ما معرفی کرد توانست موقتا جلوی اجرای حکمان را بگیرد.

شوهرم از خواهر بزرگم و شوهرش هم به اتهام قوادی (واسطه گری) شکایت کرده بود. آنها بدون هیچ سند و مدرکی محکوم شدند و حکمشان هم اجرا شد. هر کدام ۷۵ ضربه شلاق خوردند و شوهر خواهرم هم تبعید شد.

شوهرم با این شکایت هجو و بی پایه که از من و دو خواهرم کرد زندگی ۳ خانواده را بهم ریخت. شوهر خواهردومی ام او را طلاق داد. خواهرم افسرده و مریض شده است. شوهر خواهر سومی ام تبعید شده و زن و بچه اش بدون سرپرست و هزینه زندگی مانده اند.

نمی دانم شوهرم این فیلم را چطور و کجا درست کرده است. قاضی می گفت که در خانه ما فیلم برداری شده. من فیلم را ندیده ام و نمی دانم چی است. ولی باز پرسم بهم گفت که من و خواهرم در این فیلم در حال انجام رابطه جنسی هستیم. با کی؟ نمی دانند و من هم نمیدانم! هنوز هم کسی را نتوانسته اند پیدا کنند.

داستانی که خواندید، خلاصه ای از مصاحبه با زهره کبیری بود.

(متن کامل مقاله را در سایت

[www.meydaan.com/](http://www.meydaan.com/)

[Showarticle.aspx?](http://Showarticle.aspx?)

[arid=551](http://arid=551) ملاحظه کنید)

می گفتند که حکم تیرباران ما را دارند. بعد از اینکه کلی کتکمان زدند، من و خواهرم را به مفاسد کرج بردند. حتی بازرسهای خانم آنجا دیدند که سر و صورتمان کبود است. بعد از یک شب که آنجا ماندیم ما را آوردند زندان.

من و خواهرم که با هم دستگیر شده بودیم را با استناد به یک حلقه فیلم که شوهرم به دادگاه داده بود محکوم کردند. مرا به ۹۹ ضربه شلاق و ۵ سال حبس تعزیری محکوم کردند. من در زیر کتک به هر اتهامی که وارد کرده بودند اعتراف کردم. در تیر ماه ۱۳۸۶ شلاقمان در ملاء عام اجرا شد.

اما دوباره بر اساس همان فیلم پاییز ۱۳۸۶ دادگاهی تشکیل شد و ما را به اتهام زانی محصنه به سنگسار محکوم کردند. در این دادگاه قاضی از شوهرم پرسید که چرا به زنت شک داشتی. شوهرم جواب داد آرایش میکرد و زیاد حمام می رفت. قاضی اصلا اجازه نداد من حرف بزنم. گفتم اتهام را قبول ندارم، گفت، پس چرا اول قبول کردی! گفتم که در حالت عادی نبودم، خیلی کتکم زده بودند، حتی از ترس خودم را خیس کرده بودم، نمی فهمیدم چی رو قبول می کنم. اما انگار حرفهای من شنیده نمی شد.

دی ماه ۱۳۸۶ ما را بردند اجرای احکام و حکمان را ضرب انگشت زدیم. منتظر اجرای حکم بودیم تا اینکه

آباد با شرایط خیلی سخت توی اتاق ۱۲ متری بدون هیچ وسیله ی زندگی می کردم. شوهرم خانه نمی آمد. تا نصف شب منتظرش میماندم که بیاید. وقتی می پرسیدم کجا بوده دعوا می کرد و مرا کتک می زد. کار نمی کرد، خرجی هم نمی داد، بیشتر مواقع می رفتم خانه پدرم تا به بچه ام غذای خوب بدهم. نه خودش کار می کرد نه اجازه می داد من کار کنم. مدام به من شک داشت. در صورتی که من چون شوهرم دوست نداشتم اصلا از خانه بیرون نمی رفتم. حتی برای خرید روزمره هم بیرون نمی رفتم.

ما ماهها از هم جدا زندگی می کردیم من می رفتم خانه پدرم و شوهرم هم خانه پدر و مادرش بود. زیاد همدیگر را نمیدیدیم. محبتی به من نداشت وقتی هم که با هم بودیم مثل خواهر برادرزنگی می کردیم. دیگر خسته شده بودم. چندین بار گفته بودم طلاق می خواهم اما حاضر به طلاق نبود. من هم به خاطر پسرم تحمل می کردم.

یک روز صبح من و خواهرم و پسرم توی خانه نشسته بودیم که شوهرم همراه ۸ تا مامور لباس شخصی ریختند توی خونه و بدون اینکه به ما فرصت بدهند که لباس مناسب بپوشیم تا جایی که می توانستند ما را کتک زدند. شوهر نامرد و بی غیرتم هم همراه آنها ما را می زد. با پوتین هاشون می کوبیدند به شکم و سرمان. حتی

**خلاصه گفت و گو با زهره کبیری، یکی از دو خواهر محکوم به سنگسار**

نقل از سایت میدان زنان نوشته زهرا سعید زاده

متولد ۱۳۵۹ هستم. از بهمن ماه ۱۳۸۵ اینجا (زندان رجایی شهر) هستم. ۱۹ سالگی ازدواج کردم و ۲۲ سالگی تنها پسرم را دنیا آوردم. شوهرم ۱۱ سال از من بزرگتر بود. وقتی که باهم نامزد شدیم من در دانشگاه رشته تاریخ قبول شدم، در خانه پدرم درس را خواندم. شوهرم گفته بود که تا سوم راهنمایی درس خوانده، بعدا فهمیدم که سیکل هم ندارد. با شوهرم در شرکتی که کار می کردم، آشنا شدم. خانواده ام مذهبی بودند، نمی توانستیم با هم دوست باشیم به همین خاطر از خانواده ام خواستم که با ازدواج ما موافقت کنند. اول پدر و مادرم موافق نبودند اما با اصرار من رضایت دادند. از همان دوران نامزدی به اخلاق بد و بی مسئولیتی شوهرم پی بردم. حتی مرا جلوی فامیلش کتک می زد. نمیتوانستم به خانواده ام بگویم که پشیمانم، می دانستم که حتما میگویند آبرویشان را برده ام. مجبور شدم تحمل کنم. خانواده همسرم هم خیلی سنتی فکر می کردند و درس خواندن مرا به رخم می کشیدند. شوهرم همیشه مرا مسخره می کرد، که درس خواندم به درد نمی خورد.

بعد از ازدواج ۵ سال در خانه مادر و پدر شوهرم در نازی

## منع قانونی ختنه دختران در مصر بجز در صورت "ضرورت"

۹۶،۶٪ از دختران مصری چه مسلمان و چه مسیحی ختنه

شده اند

طرفداران ختنه دختران بر این باور هستند که در صورت "بسیار برجسته" بودن عضو تناسلی زن انجام ختنه مشروع می باشد کما اینکه این عمل را برای پاکدامن نگهداشتن زنان ضروری می بینند.

ترجمه بخش فارسی العربیه

[www.alarabiya.net/articles/2008/06/08/51177.html](http://www.alarabiya.net/articles/2008/06/08/51177.html)

**قاهرة-** مجلس شورای ملی مصر در جلسه روز شنبه ۷-۶-۲۰۰۸ خود با تصویب قانونی، ختنه دختران بجز در "شریط استثنایی" را جرم به شمار آورد. طبق اظهارات یک منبع پارلمانی طی گفتگو با خبرگزاری فرانسه درج "شرایط استثنایی" راه را برای تفسیر قانون و در نتیجه کاهش تأثیر آن باز خواهد کرد.

**رهائی زن همین امروز!**



## اعتراض دانشجویان و اساتید به سهمیه بندی در دانشگاه



روز سه شنبه ۳ خرداد ۸۷  
جمعی کثیری از دانشجویان  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران، در اعتراض به سهمیه بندی جنسیتی و دیگر سیاست های تبعیض آمیز وزارت علوم و سازمان سنجش، در سالن مرکزی دانشکده حقوق تجمع کردند. دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی که سیاست های تبعیض آمیز دولت را محکوم می کرد و قرائت بیانیه ای خواهان پایان دادن به طرح ها و برنامه های دولت و وزارت علوم در رابطه با سهمیه بندی جنسیتی بودند و به اجحافات و نابرابری ها اعتراض کردند. تعدادی از اساتید دانشگاه که در سالن دیگری تجمع کرده بودند به جمع دانشجویان پیوستند و از خواست دانشجویان معترض مبنی بر لغو تبعیض جنسیتی و محرومیت فعالین دانشجویی از تحصیل، دفاع کردند.

افزایش حضور دختران در دانشگاه ها همواره با واکنش های تبعیض آمیز رژیم ضد زن جمهوری اسلامی روبرو گشته است. رژیم اسلامی اعلام میکند که بخاطر حفظ بنیان خانواده و نقش مرد، بعنوان نان آور خانواده، باید ورود دختران به دانشگاه را محدود کند. اکنون سالهاست که فعالین حقوق زن، دانشجویی و مردم آزادیخواه و برابری طلب در مقابل این تعرض رژیم زن ستیز اسلامی ایستادگی کرده اند.

سازمان آزادی زن این سیاست ضد زن رژیم را قاطعانه محکوم میکند. ورود وسیع دختران به دانشگاه ها خود نشانه گسترده گی جنبش آزادی زن در ایران است. زنان در ایران قهرمانانه در مقابل تبعیضات و تعرضات رژیم مقاومت میکنند و لذا رژیم اسلامی را مجبور کرده اند که به چنین ترفندهایی متوسل شود. باید با تمام قوا این سیاست ضد زن رژیم اسلامی را به شکست کشاند.

**ستم بر زن موقوف! سرکوب زنان ممنوع!**

**زنده باد آزادی زن!**

**سازمان آزادی زن**

**۸ خرداد ۱۳۸۷**



## اقدامات تحریک امیز نیروهای امنیتی رژیم و حراست در دانشگاه تربیت معلم کرج!

بر اساس اخبار رسیده از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم کرج، دانشجویان معترض به شدت تحت فشار مدیریت دانشگاه، نیروهای امنیتی، لباس شخصی ها و رئیس نهاد هماهنگ کننده نیروهای سرکوب در دانشگاه قرار دارند.

در پی اعتراضات وسیع و تحصن دانشجویان دانشگاه تربیت معلم کرج که از ۲ هفته پیش شروع شده و با برپایی تریبونهای آزاد ادامه دارد، صبح روز ۱۹ خرداد بیش از ۴۰۰۰ دانشجو از ساعت هفت بامداد با امتناع از حضور در جلسه امتحان، مجددا اقدام به برگزاری تریبون آزاد نمودند. دانشجویان با شعار دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد، به مسئولین دانشگاه اعلام کردند که در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان به اعتصاب غذا ادامه خواهند داد.

وضع جسمی چند تن از دانشجویان بسیار وخیم ارزیابی شده و احتمال مرگ آنها پیش بینی شده است. نیروهای حراست دانشگاه ضمن تماس تلفنی با خانواده دانشجویان، آن ها را تهدید می کنند، در صورت ادامه اعتراضات در این دانشگاه، فرزندان شان بازداشت و برای آن ها پرونده سنگینی در دادگاه انقلاب تشکیل خواهد شد.

سازمان آزادی زن ضمن حمایت از اعتراض دانشجویان از آنها می خواهد که به اعتصاب غذای خود پایان دهند و بیش از این به جسم و سلامت خود آسیب نرسانند. مبارزه برای دستیابی به مطالبات را باید از طرق دیگر و نه از طریق خودآزاری دنبال کرد. سازمان آزادی زن ضمناً اعلام میکند که حفظ سلامت تک تک این دانشجویان بعهده مسئولین دانشگاه و رژیم اسلامی است. باید از مبارزه این دانشجویان حمایت کرد. و با حمایت وسیع و گسترده کوشید تا سیاستهای غیر انسانی حراست و کمیته های انضباطی را به شکست کشاند.

**زنده باد آزادی، زنده باد برابری**

**سازمان آزادی زن**

**۸ خرداد ۱۹۸۷**

**خوانندگان گرامی:** در آخرین لحظات صفحه بندی نشریه خبر رسید که مقاومت دانشجویان دانشگاه تربیت معلم به نتیجه رسید و دانشگاه تمامی خواسته های دانشجویان را پذیرفت. خواسته های دانشجویان تربیت معلم به شرح زیر بود:

برکناری معاونت دانشجویی دانشگاه، برکناری معاونت فرهنگی دانشگاه، عذرخواهی کتبی مسئول حراست دانشگاه که خانواده های دانشجویان را تهدید کرده بود، استاندارد سازی خوابگاهها، بهبود کیفیت غذا و رعایت بهداشت، بازگرداندن سالن مطالعه مرکزی به دانشجویان، عدم احضار دانشجویان متحصن به کمیته انضباطی و تعویق امتحانات پایان ترم.

**۲۱ خرداد ۸۷**

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی، [azarmajedi@yahoo.com](mailto:azarmajedi@yahoo.com)

سردبیر پروین کابلی، [parvinkaboli@yahoo.se](mailto:parvinkaboli@yahoo.se)، Tel: +46 707 744 0

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، [esmail\\_owji@yahoo.com](mailto:esmail_owji@yahoo.com)

**زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!**